

The ~~XXXX~~

بیا نگاه

بیتهاست
آرزو من به خواب
آملان سگولون
افتن آرام

آدمی ماه خون پر کا بودی
بیز و نبلو قره و نملی قام
~~از خواب لطف دستگیر~~
از بوی لطف نه سببان
حال بود تازه
حسن بگرد جان

در بخیار بگود بیست جامی
نگر چراغی ز دور می خورد
کنت بیدار دهنی قرار چو من ؟
کنت ناخفته ؟

کنت از نغمه
از خیره ما شوم دشت بار ؟
نفتن و ایستی زنده آریا
دیم ما آفریناروی ما ؟

به درگون راه باید برود
به طبیب نیاه باید برود
به تلاش سینه زور زین
و بهاران در بیان
و به ماه
که بیا نگاه

سازد خسته در آسمان بلند
و به دنیاها سادها و غمنا
سرد و آینه هم دارند

دی ۱۳۷۰

زواله

ببند